

چاپ دوم

علل گرایش علوم انسانی به مبانی علوم غربی در عصر پهلوی اول

محمد باقر خزائلی



کتابخانه
موسسه

bookroom.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۷

فصل اول: مبانی نظری..... ۹

۱-۱- ناسیونالیسم در ایران..... ۱۱

۱-۱-۱- پیشینه تاریخی..... ۱۱

۱-۱-۲- زمینه همبستگی برای ناسیونالیسم..... ۲۶

۱-۱-۲-۱- خودآگاهی تاریخی..... ۳۰

۱-۱-۲-۲- خودآگاهی فرهنگی..... ۳۳

۱-۱-۲-۳- زبان..... ۳۵

۱-۱-۲-۴- خودآگاهی نژادی..... ۳۸

۱-۲- پایگاه اجتماعی برای ناسیونالیسم..... ۳۹

۱-۲-۱- روستاییان..... ۳۹

۱-۲-۲- کارگر..... ۴۳

۱-۲-۳- روشنفکران..... ۴۸

۱-۲-۴- بازرگانان طبقه متوسط..... ۵۳

۱-۲-۵- زمینداران..... ۵۷

فصل دوم: فرهنگ و سیاست ایران در عصر تجدد (پهلوی اول)..... ۶۳

۲-۱- آغاز عصر پهلوی..... ۶۵

۲-۲- فرهنگ و سیاست ایران در عصر تجدد..... ۸۷

۲-۲-۱- ویژگی ساخت قدرت در دوره رضاشاه..... ۸۷

۲-۲-۳- رضا شاه و شکل‌گیری ایران نوین..... ۱۰۵

۲-۳-۱- آموزش و پرورش در دوره رضاشاه..... ۱۰۵

۲-۳-۲- آموزش ابتدایی در تقابل با آموزش متوسطه..... ۱۰۸

۱۱۵.....	۲-۳-۳- آموزش بزرگسالان و زنان
۱۱۸.....	۲-۳-۴- دانشگاه تهران
۱۲۰.....	۲-۳-۵- نظارت مرکزی و یکپارچگی
۱۲۶.....	۲-۳-۶- ناسیونالیسم در دوره رضاشاه

۱۴۵.....	فصل سوم: علوم انسانی در عصر پهلوی اول
۱۴۷.....	۳-۱- ایران در عصر پهلوی اول (رضاشاه)
۱۴۷.....	۳-۱-۱- فرهنگ در عصر پهلوی
۱۷۴.....	۳-۱-۲- دوره تجزیه (۱۲۸۸-۱۲۹۹)
۱۰۴.....	۳-۱-۳- ظهور رضاشاه (۱۲۹۹-۱۳۰۴)
۲۰۰.....	۳-۱-۴- سلطنت رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰)

فصل چهارم: مصادیق علوم انسانی و تأثیر علوم غرب در آن (پهلوی اول).....

۲۱۹.....	۴-۱- بررسی تطبیقی علوم انسانی
۲۲۱.....	۴-۱-۱- تجدد علم
۲۲۵.....	۴-۱-۲- علم به عنوان یک نهاد تمدنی
۲۲۹.....	۴-۱-۳- عناصر مربوط به بُعد جامعه شناختی
۲۳۲.....	۴-۲- تغییر فرهنگ در عصر پهلوی
۲۳۷.....	۴-۳- رویارویی عقل و دین در تاریخ تفکر غرب از منظر فلسفی
۲۳۸.....	۴-۳-۱- مسئله رویارویی عقل و دین
۲۴۳.....	۴-۳-۲- عقل و دین در مسیحیت غرب
۲۴۳.....	۴-۳-۳- تغییر ساختار جامعه ایران در دولت رضاشاه
۲۷۳.....	فهرست منابع

پیشگفتار

در دنیای حاضر، علم و شاخه‌های آن، تجسم تجدد به حساب می‌آیند. استفاده از روش علمی در برخورد با هر معضل طبیعی، انسانی یا اجتماعی، در همه جا دیده می‌شود. در صورتی که از رویکرد علمی در مورد مسئله‌ای در شرف صلح استفاده نشده باشد، برخورد و تحلیل، ناقص یا مشکوک به نظر خواهد رسید. البته این موضوع، مصون از انتقاد منتقدان اخلاقی نیست که تصور می‌کنند علم، به تنهایی قدرت زیادی دارد یا اینکه نقطه نظر علمی محض به ویژه در طب بیش از حد مدعی و بیش از حد مطمئن بوده، دچار نخوت شده و حتی می‌تواند به تشخیص غلط منجر شود. در دنیای غرب، کسانی هستند که تصور می‌کنند علم، به خودی خود یک «مشکل اجتماعی» است. برای این افراد، تأثیراتی منفی مانند افزایش سطح تشعشع رها شده در فضای جوامع محلی، استفاده از سموم دفع آفات بدون نظارت کافی، تخریب عمومی زیست طبیعی بر اثر دفن مواد سمی و حتی گرم شدن کره زمین، همگی را باید به مقوله علم و فناوری نوین نسبت داد.

غرب‌گرایی فرهنگی روزافزون حکومت پهلوی، درخور توجه طبقات عامه مردم بود؛ به خصوص بازاری‌ها و نیز علمای مذهبی که شخصیت و موقعیتشان مورد حمله قرار گرفته بود. عادات و اخلاق غرب‌گرایی از لوازم سلطه سیاسی اقتصادی غرب پنداشته می‌شد و افکار و ایده‌های ضد غرب‌گرایی و ضد رژیم نیز بیش از پیش به بینش شیعی توده‌های مردم تمسک می‌جست. در دهه ۱۹۶۰ (۱۳۴۰ به بعد) اندیشمندان ایرانی بحث از دفاع در مقابل غرب‌گرایی و بازگشت به هویت فرهنگی ایرانی را آغاز کردند. بدین منظور آنان «غربزدگی» را محکوم کردند.

سلطنت رضاشاه، ایجاد «نظم نوین» بود. او پس از تاجگذاری در سال ۱۳۰۴ با بناکردن و تقویت تکیه‌گاه خویش بر سه رکن ارتش جدید، بوروکراسی دولتی و حمایت دربار، به تثبیت قدرت خود پرداخت. برای نخستین بار پس از عصر صفوی دولت توانست با ابزارهای گسترده مدیریت، نظم و اسلحه، جامعه را اداره کند و رضاشاه نیز با تثبیت قدرتش قادر بود برنامه بلندپروازانه اصلاحات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را آغاز نماید. او توفیق یافت که بسیاری از نوآوری‌هایی را که اصلاح طلبانی چون شاهزاده عباس میرزا، امیرکبیر، سپهسالار، ملک خان و دموکرات‌های انقلاب مشروطه پیشنهاد کرده بودند و سرانجام نیافته بود، به انجام رساند. رضاشاه تا سال ۱۳۲۰ «نظم نوینی» برقرار کرده بود و تنها تهاجم انگلستان و شوروی به کشور بود که راه را برای کناره‌گیری اجباری او هموار ساخت.

از آنجا که این نوشتار به بیان مسائلی پرداخته که پیش‌تر، محققان کمتر بدان توجه داشته‌اند، حائز اهمیت است؛ باین حال مطالب آن، خالی از نقایص و نواقصی نیست. امید است که مخاطبان ارجمند کتاب، انتقادهای و پیشنهادهای خود را با نویسنده در میان بگذارند تا خطاهای احتمالی در چاپ‌های بعدی برطرف گردد. در پایان بر خود لازم می‌دانم از همراهی بی‌دریغ دوستان گرامی، جناب آقای شهرام نادری فارسانی و جناب آقای دکتر میلاد شمعی سپاسگزاری کنم. همچنین از سروران و بزرگوارانی که اسباب انتشار این اثر را فراهم آوردند، کمال تشکر را دارم.

غرب‌گرایی فرهنگی روزافزون حکومت پهلوی، درخور توجه طبقات عامه مردم بود؛ به خصوص بازاری‌ها و نیز علمای مذهبی که شخصیت و موقعیتشان مورد حمله قرار گرفته بود. عادات و اخلاق غرب‌گرایی از لوازم سلطه سیاسی اقتصادی غرب پنداشته می‌شد و افکار و ایده‌های ضد غرب‌گرایی و ضد رژیم نیز بیش‌ازپیش به بینش شیعی توده‌های مردم تمسک می‌جست. در دهه ۱۹۶۰ (۱۳۴۰ به بعد) اندیشمندان ایرانی بحث از دفاع در مقابل غرب‌گرایی و بازگشت به هویت فرهنگی ایرانی را آغاز کردند. بدین منظور آنان «غربزدگی» را محکوم کردند.



ISBN: 978-622-7202-10-6

